

## مقایسه محتوای درس تاریخ ادبیات پیش از اسلام در علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم با کتاب تاریخ ادبیات (۱) متوسطه قدیم<sup>۱</sup>

روشنک آذری<sup>۲</sup>

### چکیده

از نظر تاریخی، زبان‌های ایرانی را براساس تحول، به سه دوره تقسیم می‌کنند: باستان، میانه و نو. در کتاب تاریخ ادبیات (۱) متوسطه قدیم و همچنین در کتاب علوم و فنون ادبی (۱) متوسطه جدید، یک درس به زبان، خط و آثار ادبی دوره‌های باستان و میانه تخصیص داده شده است. هدف از نگارش این مقاله، مقایسه کمیت و کیفیت محتوای این دو درس است. روش کار توصیفی است. بررسی نشان داد که تعداد صفحات مربوط به این موضوع، در کتاب سال دهم متوسطه جدید ۱۳۹۸، نسبت به کتاب چاپ سال ۱۳۹۲ به نصف تقلیل یافته است. در متوسطه قدیم سه مورد و در متوسطه جدید موارد بسیاری برای تصحیح مشخص گشت. تحلیل جدول صفحه ۳۹ کتاب علوم و فنون ادبی (۱) نشان داد که از ۳۶ مورد مقایسه نشانه‌های خطی، ۳۰ مورد نادرست یا ناکامل است و دلایل و پیشنهادات لازم برای اصلاح جدول ارائه گشت. همچنین تاکید شد که زبان فارسی باستان تنها یکی از زبان‌های دوره باستان ایران است و نباید معادل با آن دوره به کار برده شود. بررسی بخش آثار ادبی مکتوب پیش از اسلام، نشان داد که شعر در دوره باستان و میانه زبان فارسی وجود داشته است. در زبان اوستایی، وزن دسته‌ای از اشعار هجایی و بعضی دیگر ضربی بوده‌اند. در دوره میانه، گروه زبان‌های غربی، وزن اشعار هجایی یا ضربی تشخیص داده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخ ادبیات فارسی، کتاب درسی متوسطه، زبان‌های باستان، زبان‌های میانه، خط میخی.

## ۱. مقدمه

زبان هر روز تغییر می کند و تحول می یابد. این تغییر بر محورهای گوناگونی رخ می دهد. تاریخ، یک عامل تغییر در زمانی برای زبان است. عوامل دیگری نیز به این تغییر افزوده می شود که همزمانی نام دارند. دو متغیر مهم در تحول همزمانی، جغرافیایی و اجتماعی است (کالوه، ۱۳۷۹: ۱۰۸-۱۳۲). بدین ترتیب، زبان به عنوان امری اجتماعی، پیوسته و به تبع تحولات اجتماعی، به گونه ای متناسب با نیازهای جامعه، متحول و دیگرگون می شود (باقری، ۱۳۹۶: ۹). تغییرات در زمانی برای زبان، می توانند در سه حیطة زمانی رخ دهد: ۱- تحول در اصوات و واج های زبان؛ ۲- تحول در نظام یا دستگاه صرفی و نحوی زبان؛ ۳- تحول در واژگان زبان. هر گاه در یک زبان، در یک مقطع زمانی، به طور کلی در هر سه حیطة، تغییر و تحولی چشمگیر روی دهد، یک دوره تحول تاریخی برای آن زبان محسوب می گردد (باقری، ۱۳۹۶: ۱۹). در میان زبان های هند و اروپایی، زبان فارسی این ویژگی ممتاز را دارد که می توان تاریخ آن را بر اساس منابع و مدارک موجود، در تمامی ادوار تاریخی از قرن ششم پیش از میلاد تا زمان حاضر به طور پیوسته ای بررسی کرد (باقری، ۱۳۹۶: ۱۱). از نظر تاریخی، زبان های ایرانی را، بر اساس دوره تحول تاریخی، به سه دسته عمده تقسیم بندی می کنند: زبان های دوره باستان، زبان های دوره میانه و زبان های دوره نو (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۱).

مطالعات هم زمانی و در زمانی، شاخه های مختلفی در شناخت علمی زبان، از قرن نوزدهم بوجود آورده است (نجفی، ۱۳۸۰: ۱۱). زبان شناسی توصیفی که در قرن بیستم گسترش یافته، به توصیف و بررسی راه هایی می پردازد که زبان به کمک آن ها عملکرد دارد. این توصیف می تواند برای هر زبانی باشد که در دوره زمانی مشخصی، به وسیله گروهی از سخنوران، مورد استفاده قرار می گیرد (رایبیز، ۱۹۸۹: ۴). در این مطالعه علمی زبان، کشف روابط درونی حاکم بر زبان و چگونگی ساخت و کار آن مد نظر است. از این منظر، زبان شناسان در حوزه های آواشناسی، واژه شناسی، نحو و معناشناسی، منظور شناسی و سخن کاوی، به مطالعه زبان انسان یا یک زبان خاص می پردازند (زندی، ۱۳۸۳: ۲۰).

برنامه آموزش زبان فارسی، در مقاطع مختلف تحصیلی، اهداف گوناگونی را دنبال می کند. توجه به اصول و یافته های زبان شناسی و همچنین پیوند آن با علوم دیگر، که منجر به پیدایش علوم میان رشته ای و علوم زبانی دیگری نیز گشته است، در رسیدن به نتایج نهایی برنامه زبان آموزی و کسب توانش یا بسندگی لازم، اهمیت زیادی دارد (زندی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). زبان فارسی، همچون بیشتر زبان های دنیا، یک نقش اصلی یعنی ایجاد ارتباط و سه نقش فرعی یعنی تکیه گاه اندیشه، حدیث نفس و ایجاد زیبایی هنری دارد (نجفی، ۱۳۸۰: ۳۵). در مقطع ابتدایی، اهداف یادگیری در مواد درسی و واحدهای یادگیری طراحی شده برای زبان فارسی، با تمرکز بر آموزش مهارت های چهارگانه در فارسی معیار آغاز می گردد که هدف آن پرورش نقش اصلی ارتباطی زبان است (زندی، ۱۳۹۳: ۱۱۱). علاوه بر آن، آموزش مقدماتی ادبیات فارسی با هدف ادراک شفاهی و آشنایی با متون شعر و نثر و گونه های ادبی و شناخت کافی از ادبیات فارسی، از گذشته تا حال، در مقطع ابتدایی مشاهده می شود (زندی، ۱۳۸۳: ۲۳۱). در مقطع متوسطه دوم، با گرایش انسانی، نقش ادبی زبان، به طور تخصصی دنبال می گردد و کتب بیشتری به ادبیات فارسی و علوم ادبی تخصیص می یابد. کتاب هایی که در نظام متوسطه قدیم برای زبان و ادبیات فارسی، در رشته ادبیات و علوم انسانی تالیف گردید، عبارت بودند از:

۲-Diachronic

۴-Synchronic

۳-Descriptive Linguistics

۱- کتاب‌های زبان فارسی ۱، ۲، ۳؛ که محتویات آن بر اساس زبان‌شناسی ساختگرا طبقه بندی شده بود. مقایسه محتوای کتاب زبان فارسی متوسطه قدیم با کتاب جایگزین آن در نظام متوسطه جدید، به نام "نگارش"، در مقاله دیگری از نشریات پویش، تالیف نگارنده این مقاله آمده است و حذف مباحث زبان‌شناسی و بازگشت به دستور سنتی را بررسی می‌کند (آذری، ۱۳۷۹، الف).

۲- کتاب‌های ادبیات فارسی ۱، ۲، ۳؛ که در سال‌های اول تا سوم متوسطه قدیم، با تقسیم بندی به دو نوع اصلی نثر و نظم، به معرفی سبک‌ها و انواع ادبی قدیم یعنی حماسه، ادب غنایی، تعلیمی و نمایشی و همچنین انواع ادبی جدید یعنی داستان و شعر نو و انواع فرعی می‌پرداخت (شمیسا، ۱۳۸۷: ۸-۴). این کتب در نظام متوسطه جدید به نام "فارسی" تغییر یافته است و در سال‌های دهم، یازدهم و دوازدهم متوسطه جدید تدریس می‌شوند.

۳- کتاب آرایه‌های ادبی؛ که به طور تخصصی به بررسی قالب‌های شعر، بیان و بدیع می‌پرداخت. این کتاب در سال سوم متوسطه نظام قدیم، معادل با سال یازدهم متوسطه جدید تدریس می‌شد. تعداد صفحات این کتاب ۱۶۶ صفحه بود (هادی، ۱۳۹۲).

۴- کتاب‌های تاریخ ادبیات فارسی ۱، ۲؛ که در سال‌های دوم و سوم متوسطه قدیم رشته انسانی، هر یک در دو قسمت تحت عنوان، تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان تنظیم شده بود. هر کتاب هجده درس در قسمت نخست و هشت درس در قسمت دوم را شامل می‌شد که به منظور روشن شدن محدوده تدریس، در بیست و چهار درس تنظیم شده بود. کتاب تاریخ ادبیات فارسی ۱، ۲۳۲ صفحه (یا حقی؛ فرزاد، ۱۳۹۲) و کتاب تاریخ ادبیات ۲، ۲۰۳ صفحه (یا حقی؛ فرزاد، ۱۳۹۲) داشت.

۵- کتاب ادبیات فارسی سال چهارم متوسطه قدیم یا پیش‌دانشگاهی رشته ادبیات انسانی؛ که معادل با سال دوازدهم متوسطه دوره دوم محسوب می‌شد و به علوم قافیه و عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی می‌پرداخت. این کتاب ۲۰۱ صفحه داشت (وحیدیان کامیار و همکاران؛ ۱۳۹۲).

دانش‌های ادبی تخصصی رشته انسانی، که توضیح آن در شماره‌های سه، چهار و پنج آمد، در نظام متوسطه جدید در سه کتاب به نام علوم و فنون ادبی ۱، ۲ و ۳ با اعمال تغییراتی منعکس می‌شود. این کتاب‌ها در پایه دهم، یازدهم و دوازدهم تدریس می‌گردند. مقایسه کتاب‌های تخصصی نظام متوسطه قدیم رشته انسانی، بر اساس چاپ سال ۱۳۹۲، با نظام متوسطه جدید، بر اساس چاپ سال ۱۳۹۸، در جدول شماره یک آمده است.

جدول شماره یک - مقایسه عناوین و صفحات کتاب‌های تخصصی علوم انسانی نظام متوسطه قدیم با جدید

پایه	تعداد صفحات	نام کتاب	متوسطه جدید	پایه	تعداد صفحات	نام کتاب	متوسطه قدیم
دهم	۱۱۲	علوم و فنون ادبی (۱)	۱	دوم	۲۴۸	تاریخ ادبیات فارسی (۱)	۱
یازدهم	۱۱۱	علوم و فنون ادبی (۲)	۲	سوم	۲۰۳	تاریخ ادبیات فارسی (۲)	۲
دوازدهم	۱۲۸	علوم و فنون ادبی (۳)	۳	سوم	۱۶۶	آرایه‌های ادبی	۳
				پیش دانشگاهی	۲۰۱	ادبیات فارسی	۴
	۳۵۱				۸۱۸		جمع تعداد صفحات

با توجه به جدول شماره یک، حجم مطالب کتاب‌های متوسطه نظام جدید در مبحث مورد نظر، در مقایسه با کتاب‌های متوسطه نظام قدیم به بیش از نصف تقلیل یافته است. پرسش اینجاست که آیا این اختصار به محتوای مطالب لطمه ای وارد نکرده است؟ برای پاسخگویی به این پرسش باید مباحث مندرج در کتب را یک به یک و بر اساس حوزه‌های تخصصی زبانی و ادبی تحلیل و مقایسه کرد.

هدف از نگارش این مقاله، مقایسه محتوای علمی و آموزشی درس اول کتاب تاریخ ادبیات (۱) نظام متوسطه قدیم با عنوان "خط و زبان در ایران پیش از اسلام" (باحقی؛ ۱۳۹۲: ۷-۱۳)، با درس چهارم کتاب علوم و فنون ادبی (۱) نظام متوسطه جدید با عنوان "تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیه هجری" (قاسم‌پورمقدم و همکاران؛ ۱۳۹۸: ۴۶-۳۸) است. علاوه بر تحلیل متن و پیشنهادات اصلاحی، در نظر است با نگارش این مقاله، اطلاعات لازم و کافی برای تدریس این مبحث، در اختیار دبیران گرامی قرار داده شود. روش کار توصیفی-کیفی است. تقسیم بندی محتوای تحلیلی، بر اساس نموده‌های نوشتاری زبان‌ها یعنی خط و آثار ادبی نظم و نثر دوره های باستان و میانه آمده و با محتوای موجود در کتاب سال دهم متوسطه نظام جدید مقایسه شده است. در تقسیم‌بندی مطالب، ابتدا زبان‌ها و نموده‌های نوشتاری آن‌ها، یعنی انواع خط بررسی می‌گردد؛ سپس به آفرینش‌های ادبی هر یک از زبان‌های ایرانی، در قالب های نظم و نثر پرداخته می‌شود. تحلیل محتوای مطالب کتاب درسی در پایان بخش خط و زبان می‌آید. فونتهایی که برای آوانویسی الفبای اوستایی می‌آید بر اساس آوانویسی بارتلمه است. در این مقاله برای تمام آواها، صورت ملفوظ (واج) آن در نظر گرفته شده و در نشانه // آمده است. در توضیحات، حروف اوستایی در پرانتز () و حروف فارسی در گیومه «» می‌آید. همانطور که در مقدمه ذکر شد، زبان های ایرانی را، بر اساس دوره تحول تاریخی، به سه دوره تقسیم می‌کنند:

## ۲. بحث و بررسی

۱-۲. **زبان‌های دوره باستان ایران:** زبانی که ایرانیان در آغاز تصرف ایران بدان گفت‌وگو می‌کرده‌اند، ایرانی باستان نامیده می‌شود؛ اما از این زبان، اثری به جای نمانده است. البته؛ از طریق زبان‌هایی که از آن منشعب شده، توانسته‌اند آن را بازسازی کنند. در میان زبان‌های منشعب شده از ایرانی باستان، تنها از این زبان‌ها آثاری به جای مانده است:

سکایی: از این زبان تعدادی واژه در نوشته‌های یونانی و لاتین و هندی وجود دارد.

مادی: از این زبان تعدادی واژه در نوشته های فارسی باستان و یونانی وجود دارد.

اوستایی: تنها اثری که از این زبان به جای مانده، کتاب اوستاست.

فارسی باستان: از این زبان، کتیبه های شاهان هخامنشی باقی مانده است (ابوالقاسمی؛ ۱۳۷۵: ۴-۳). زبان

فارسی میانه یا "پهلوی ساسانی" که بعدها دستور زبان فارسی نو بر اساس آن شکل گرفت، دنباله زبان

فارسی باستان است (ابوالقاسمی؛ ۱۳۷۳: ۴۳).

۲-۲. **خطوط دوره باستان ایران:** برای دو زبان اوستایی و فارسی باستان، از دوره باستان، نموده‌های نوشتاری

به جای مانده است:

- خط اوستایی: مضامین اوستا ظاهراً تا دوره ساسانی به صورت شفاهی حفظ شده بود. در دوره ساسانی، با توجه به اینکه زبان اوستایی که یک زبان باستانی و خاموش<sup>۱</sup> بود، روزبروز نامفهوم‌تر می‌شد؛ برای احتراز از فراموشی و نیز حفظ صورت درست تلفظ آن، از روی خطوط رایج در دوره میانه زبان فارسی، خطی جدید بدین منظور ابداع شد. خط اوستایی نیز مانند خطوط دیگر دوره ساسانی، از خط آرامی که منشاء سامی دارد، اقتباس شد (باقری؛ ۱۳۹۶: ۵۸-۵۷). این الفبا را که از راست به چپ نوشته می‌شد، «دین دبیری» گفته‌اند (ابوالقاسمی؛ ۱۳۷۳: ۳). در شمارش تعداد آواها و نشانه‌های خطی این خط الفبایی نظرات گوناگون است. ناتل خانلری (۱۳۷۴) می‌نویسد: «این خط ۴۸ حرف (نشانه خطی) دارد که از آن جمله، ۱۴ نشانه برای مصوت‌ها و ۳۴ نشانه برای صامت‌ها و نیم‌مصوت‌ها است (۱۷۹)».

از آنجا که در تحلیل محتوای کتب درسی در این مقاله، نیاز به شناخت بهتر در مورد تعداد حروف الفبای اوستایی است، نظرات دیگر نیز در ادامه می‌آید: جکسون (۱۸۹۲) تعداد واکه‌ها را ۱۴ و همخوان‌ها و نیم‌واکه‌ها را ۳۲ برمی‌شمرد (۱) که با احتساب دو گونه خطی برای /y/ و /v/ جمعا ۴۸ نشانه خطی برای ۴۶ آوا محاسبه شده است. همینجا باید بین آوا، حرف (نشانه) و گونه خطی (گونه نوشتاری) تمایز قایل شد. برای مثال در زبان فارسی نو برای آوای /n/ یک حرف (نشانه) وجود دارد که بستگی به جای قرار گرفتن آوا در واژه، دو گونه خطی برای آن بوجود می‌آید. موضوع نشانه‌های خطی و گونه‌های نوشتاری آن در زبان فارسی نو با توجه به اضافه شدن مسئله عدم تطابق یک به یک آوا با نشانه خطی آن، بحثی دیگر است. در خط اوستایی، تطابق یک به یک نشانه با آوا وجود دارد اما از آنجا که اوستایی زبانی مرده است، تلفظ آواها گاهی نمی‌تواند با قطعیت باشد. بدین ترتیب در تمایز و شمارش نشانه خطی و گونه خطی نظرات مختلفی وجود دارد. تفضلی (۱۹۹۳) تعداد نشانه‌ها را ۵۳ یا ۵۸ برشمرده است (۵۴۰). هوفمان (۱۹۸۹)، نشانه‌های اوستایی را شامل ۱۴ یا ۱۶ حرف برای مصوت‌ها و ۳۷ حرف برای صامت‌ها، بعلاوه تعدادی گونه‌های خطی برای برخی از حروف، حساب می‌کند (۴۷).

- خط میخی: فارسی باستان، به الفبایی نوشته شده که میخی نام دارد. منشاء الفبای فارسی باستان از الفبای سومری است. نشانه‌های الفبای فارسی باستان، غیر از سه نشانه‌ای که برای واکه‌ها به کار می‌رفته‌اند، هجایی‌اند؛ یعنی یک نشانه، معرف یک همخوان و یک واکه بوده است (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۲۹). برای مثال، این نشانه «𐎠»، /K<sup>a</sup>/ و یا این نشانه «𐎡»، /M<sup>a</sup>/ و «𐎢»، /T<sup>u</sup>/ و «𐎣»، /N<sup>i</sup>/ خوانده می‌شود. بدین ترتیب هر نشانه در بردارنده دو آوا بوده و از الگوی هجایی CV پیروی می‌کرده است. جز سه نشانه برای آواهای /a/، /i/ و /u/ و سی‌وسه نشانه برای هجاها، نشانه‌های دیگری نیز در الفبای فارسی باستان وجود دارد که شامل دو واژه جداکن و هشت اندیشه‌نگار<sup>۲</sup> می‌شود. خط میخی از اختراعات سومریان است و تکامل این خط در طی قرن‌ها روی داده است. در نخستین نوشته‌های سومری (۳۵۰۰ ق.م.) خط جنبه تصویری<sup>۳</sup> دارد و بتدریج به صورت الفبایی درمی‌آید و به ملت‌های آشور و بابل انتقال می‌یابد (ناتل خانلری؛ ۱۳۷۴: ۱۳۹). خط میخی با ۳۶ نشانه که برای نوشتن فارسی باستان در کتیبه‌های هخامنشیان به چشم می‌خورد، از تکامل یافته‌ترین خطوط میخی است که از آن برای نوشتن استفاده شده است. مهم‌ترین اثری که از فارسی باستان به جای مانده، کتیبه داریوش (سلطنت از ۵۲۱ تا ۴۸۶

۱ - جز روحانیون زردشتی که آن را سینه به سینه نقل می‌کردند، گویشوری نداشت.

۲- Ideogram نوعی اختصار نویسی یا تخصیص یک نشانه، برای واژگانی بوده است که در کتیبه‌ها زیاد تکرار می‌شده‌اند؛ نظیر: خدا، شاه، کشور.

۳Pictogram

۴ - خط میخی اکدی، ۶۰۰ نشانه برای واژگان و حروف داشته است (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۳۹).

ق.م.) بر کوه بیستون است. این کتیبه به سه زبان فارسی باستان، عیلامی و اکدی (گوش بابلی)<sup>۱</sup> و به سه نوع خط میخی، متعلق به هر یک از این اقوام حک شده است. الفبای فارسی باستان از چپ به راست نوشته می‌شود (ابوالقاسمی؛ ۱۳۷۳: ۵-۳). خط میخی نوعی الفبای بین‌المللی بوده و از نظر کاربرد در اقوام گوناگون دوره باستان، قابل تشبیه با خط لاتین است که در حال حاضر زبان‌های بسیاری خط خود را از آن اقتباس کرده‌اند.

**۲-۳. زبان‌های دوره میانه:** در دوره میانه، زبان اوستایی که زبانی مرده بوده، فقط در حوزه‌های دینی زردشتی رایج بوده است. زبان‌های فارسی باستان و اکدی و عیلامی و آرامی که زبان‌های رسمی دولت هخامنشی بوده‌اند از رسمیت می‌افتند و جای آنها را زبان یونانی می‌گیرد و رواج آن به عنوان تنها زبان رسمی تا زمان بلاش اول اشکانی (سلطنت از ۵۱ تا ۷۷ یا ۷۸ م.) و پس از آن به عنوان زبانی از زبان‌های رسمی ایران به هستی خود ادامه می‌دهد. از برخی زبان‌های ایرانی این دوره، آثار مختلفی به جای مانده است. زبان‌هایی که از آنها اثر به جای مانده، به سبب موازین زبانی و جغرافیایی، به دو گروه ایرانی میانه شرقی و ایرانی میانه غربی، تقسیم شده‌اند (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۸۹).

زبان‌های شرقی که خود به دو شاخه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند، شامل زبان‌های سغدی و خوارزمی از شاخه شمالی و زبان‌های سکایی (ختنی) و بلخی از شاخه جنوبی هستند.

زبان‌های غربی نیز به دو شاخه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند. شاخه شمالی، در قلمرو پارت‌ها یا اشکانیان متداول بوده است و آن را پهلوانیگ یا پهلوی اشکانی یا پارتی می‌نامند. شاخه جنوبی، اساساً زبان متداول در فارس، در دوره ساسانیان بوده که در نواحی دیگر گسترش یافته است. دانشمندان این زبان را در مقایسه با فارسی باستان و فارسی جدید، فارسی میانه می‌نامند ولی بنا بر سنت، نام آن پهلوی است (آموزگار، تفضلی؛ ۱۳۸۲: ۱۲). زبان فارسی نو که در دوران اسلامی رواج یافت، دنباله فارسی میانه (پهلوی ساسانی) یا یکی از گونه‌های آن است که در اواخر دوره ساسانی به صورت زبان گفتار در تیسفون رایج شده بود (آموزگار، تفضلی؛ ۱۳۸۲: ۱۴-۱۳).

**۲-۴. خطوط دوره میانه:** غیر از الفبای بلخی، همه الفباهایی که برای نوشتن زبان‌های ایرانی میانه به کار رفته، مستقیم یا غیرمستقیم از الفبای آرامی امپراتوری گرفته شده‌اند. در هر دو گروه زبان‌های شرقی و غربی، خطوط متفاوت و متنوعی برای نوشتن به کار می‌رفته است. در گروه زبان‌های غربی که مورد بحث این مقاله است، می‌توان به این خطوط اشاره کرد: الفبای کتیبه‌های اشکانی، الفبای کتیبه‌های فارسی میانه، الفبای متون فارسی میانه مسیحی، الفبای متون فارسی میانه مانوی و الفبای متون فارسی میانه زردشتی یا پهلوی (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۱۰۰-۱۰۳). کلیه این خطوط از راست به چپ نوشته می‌شدند.

**۲-۵. تحلیل محتوای کتاب درسی در مورد خط و زبان‌های دوره باستان و میانه ایران**  
درس اول کتاب تاریخ ادبیات (۱) نظام متوسطه قدیم با عنوان "خط و زبان در ایران پیش از اسلام" (باحقی؛ ۱۳۹۲: ۷-۱۳)، با درس چهارم کتاب علوم و فنون ادبی (۱) نظام متوسطه جدید با عنوان "تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیه هجری" (قاسم‌پورمقدم و همکاران؛ ۱۳۹۸: ۴۶-۳۸) جایگزین شده است.

### ۲-۵-۱. نکات قابل تصحیح در کتاب متوسطه قدیم:

در متوسطه قدیم، مطالب به دو قسمت خط و زبان در دوره باستان و میانه تقسیم شده است. قسمت خط در دوره باستان، به معرفی خطوط میخی و اوستایی پرداخته است. در همین قسمت از بخش‌های پنجگانه اوستا نام

<sup>۱</sup> زبان اکدی از زبان‌های سامی است که از هزاره سوم تا هزاره اول ق.م. در بین‌النهرین رایج بوده است. حدود دو هزار سال ق.م. زبان اکدی جای زبان سومری را در سومر گرفت و در همین زمان، زبان اکدی به دو گویش آسوری و بابلی تقسیم شد (ابوالقاسمی؛ ۱۳۷۳: ۳۳).

برده شده و تصویری از یک نمونه کتیبه سه زبانه هخامنشی (فارسی باستان-عیلامی-اکدی) آورده شده است. صفحه ۱۱ تا ۱۲ درس اول کتاب متوسطه قدیم، به پیوستگی‌های فرهنگی و ادبی دوره ساسانی با عصر اسلامی می‌پردازد و صفحه ۱۳ به تمرین‌ها اختصاص دارد.

تصحیح یک: در کتاب درسی ۴۴ حرف برای خط اوستایی ذکر شده است (یا حقی؛ ۱۳۹۲: ۹). با توجه به توضیحاتی که در بخش ۱، ۲. مقاله آمد، بر اساس نظر هر یک از استادان ناتل خانلری، تفضلی یا هوفمان، جمع نشانه‌ها بیشتر از ۴۴ می‌شود و بهتر بوده که یکی از این نظرات اعمال گردد.

تصحیح دو: در قسمت خط میخی، جمله‌ای که زیر آن خط کشیده شده، نیاز به تصحیح داشته‌است: «این خط که می‌توان آن را خط هجایی نامید، دارای سی وشش حرف (هجا) بود و از چپ به راست نوشته می‌شد. تمام سنگ‌نوشته‌های بازمانده از عصر هخامنشی به این خط است.» (یا حقی؛ ۱۳۹۲: ۷)؛ زیرا استوانه کوروش یا منشور کوروش، نگاشته شده به سال ۵۳۸ ق.م. به خط میخی اکدی (بابلی) است (شش بی، ۹۹۹۹: ۹۹).

تصحیح سه: در قسمت زبان؛ در دوره باستان تنها از فارسی باستان نام برده شده که بر اساس مطالعات زبان‌شناسی، زبان فارسی میانه دنباله آن است (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۹۵). در دوره میانه شرح بیشتری آمده و تقسیم بندی گروه غربی و شرقی زبان‌های میانه و پس از آن معرفی زبان فارسی میانه ساسانی و فارسی میانه اشکانی و حتی اشاره‌ای به فارسی میانه تورفانی را به اختصار می‌بینیم. اگر قصد نویسنده نشان دادن زبان‌هایی باشد که زبان فارسی نو دنباله آن است، معرفی زبان فارسی میانه ساسانی (پهلوی) (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۱۱۳) کفایت می‌کند و اگر هدف، نام بردن از زبان‌های دوره باستان و دوره میانه باشد، جای زبان اوستایی در دوره باستان خالیست؛ مخصوصاً که خط اوستایی و پنج بخش اوستا، در قسمت خط معرفی شده است (یا حقی؛ ۱۳۹۲: ۹).

تصحیح پانوشت: در قسمت پانوشت کتاب متوسطه قدیم، این جمله در توضیح دشواری‌های خط پهلوی آمده است: «برخی مصوت‌ها (حروف صد/دار) همواره در نوشتار منعکس نمی‌شود.» (یا حقی؛ ۱۳۹۲: ۱۰).

در زبان‌شناسی فارسی، معادل واژه‌های مصوت و صامت، به ترتیب واکه و همخوان به کار می‌رود. از سوی دیگر، برای همخوان‌های واکدار و بیواک، بر اساس ترجمه انگلیسی آن، صدادار و بی‌صدائیز استفاده شده است (همایون؛ ۱۶: ۱۳۷۹)، که تنها به یکی از فرایندهای تولید آوا، یعنی واکبری، اشاره دارد و نمی‌تواند معادل مصوت باشد (نمره؛ ۱۳۸۸: ۲۴). ابوالقاسمی (۱۳۹۶: ۲۱) و ناتل خانلری (۱۳۷۴: ۵۱) لفظ بی‌آوا و آوایی را برای واکدار و بیواک به کار برده‌اند. بدین ترتیب کاربرد لفظ صدادار به جای مصوت، نادرست است.

## ۲-۵-۲. نکات قابل تصحیح در کتاب متوسطه جدید:

مطالب مربوط به تاریخ ادبیات و دوره‌های تطور زبان فارسی، در متوسطه جدید، از فصل دوم، درس چهارم آغاز می‌گردد (قاسم‌پورمقدم و همکاران؛ ۱۳۹۸: ۴۶-۳۸). فصل نخست کتاب به مبانی تحلیل متن و عوامل تاثیرگذار در شعر فارسی و واج آرایی و واژه آرایی اختصاص دارد. صفحاتی که در متوسطه جدید به دوره پیش از اسلام می‌پردازد، از ص. ۳۸ تا ص. ۴۰ است. ادامه مطالب در مورد سه قرن اول هجری تا نیمه اول قرن پنجم، و تمرین‌ها در صفحه ۴۵ (نیمی از صفحه) و ۴۶ است. تقسیم بندی در کتاب جدید، بر اساس سه دوره تطور است و تقسیم ریزتر به زبان و خط صورت نگرفته است.

تصحیح یک: در این جمله: «از نظر تاریخی، زبان‌های ایرانی را به سه دسته عمده تقسیم می‌کنند: فارسی باستان، فارسی میانه، فارسی نو.» (قاسم‌پورمقدم و همکاران؛ ۱۳۹۸: ۳۸)؛ نکته‌ای که در کتاب متوسطه قدیم در مورد نام بردن دوره‌های

۱ - بر اساس ارتعاش حدود ۱۶ بار در ثانیه تار آواها که آن را "واک" می‌نامند.

زبان فارسی ذکر شد، بارزتر به چشم می‌خورد: از دوره باستان ایران به عنوان "فارسی باستان" نام برده شده است. چند خط پیش از آن، از کتاب اوستا به عنوان میراث فرهنگی- ادبی شفاهی نام برده شده؛ بدون آنکه اشاره‌ای به این زبان شود. از آنجا که فارسی باستان، تنها یکی از زبان‌های دوره باستان ایران است، بهتر است "فارسی باستان" به "زبان‌های دوره باستان" تغییر یابد. اگر فرض بر این باشد که نگارنده متن، تنها زبان‌هایی را در نظر گرفته است که در دوره‌های تحول زبان فارسی، نقش اصلی را داشته‌اند، در این صورت نام بردن از زبان اوستایی ضرورتی ندارد و در صورتی که معرفی آثار ادبی اوستایی لازم است، بهتر است زبان اوستایی نیز به عنوان یکی از زبان‌های دوره باستان، در کنار زبان فارسی باستان بیاید. طراحی خودارزیابی شماره دو، صفحه ۴۵، موید این خطا است که زبان فارسی باستان، معادل با دوره زبان‌های باستان ایران انگاشته شده است. این تمرین نیز نیاز به تصحیح دارد.

تصحیح دو: در این جمله: «۲. فارسی میانه (حدود ۳۰۰ ق.م. تا حدود ۷۰۰ م.): زبان‌های ایرانی میانه، به دو گروه زبان‌های «پارتی» و «پهلوی» تقسیم می‌شوند.» (۳۹). بهتر است لفظ فارسی میانه در ابتدای جمله با زبان‌های ایرانی میانه جایگزین شود (نک. بخش ۲، ۱). در ادامه جمله، "دو گروه زبان‌ها" باید به "دو زبان" تصحیح گردد زیرا پهلوی اشکانی (پارتی) و پهلوی ساسانی هر کدام یک زبان هستند نه گروه زبانی؛ کما اینکه در جمله بعدی، در توضیح زبان فارسی میانه اشکانی (پارتی) اینگونه نوشته شده است: «زبان پارتی، در دوره اشکانیان رایج بود و تا اوایل دوره ساسانی نیز آثاری به این زبان تالیف می‌شده است. این زبان در شمال و شمال شرقی ایران متداول بوده است.» (قاسم‌پورمقدم و همکاران؛ ۱۳۹۸: ۳۹)

تصحیح سه: در جمله بالا که به تقسیم بندی زبان‌های ایرانی میانه می‌پردازد، گروه شرقی ذکر نشده و تقسیم‌بندی تنها به شاخه غربی شمالی و غربی جنوبی محدود گشته است. بهتر است اگر هدف اختصارنویسی است، از ذکر گروه بندی اجتناب گردد و تنها به معرفی زبان فارسی میانه ساسانی یا همان پهلوی اکتفا شود تا مطالب ناقص نباشد. در جریان خلاصه کردن مطلب، خط پهلوی نیز که به خوبی در کتاب متوسطه قدیم درمورد آن توضیح داده شده بود، حذف شده است.

## ۲-۵-۲-۱. توضیحات و تصحیحات جدول صفحه ۳۹

مهم‌ترین بخشی که در کتاب متوسطه جدید نیاز به بررسی دارد، جدولی است که بدون هیچ توضیحی در مورد خط اوستایی و ویژگی‌های خط میخی فارسی باستان، در میان مطالب دوره میانه آمده است. این جدول بر اساس ۳۶ نشانه خط میخی تنظیم شده است و معادل‌های خط فارسی نو و خط اوستایی، در ستون‌های مقابل آن آمده است. از آنجا که کپی کردن جدول از روی کتاب درسی متوسطه جدید یا از نسخه الکترونیک کتاب از کیفیت آن می‌کاهد و خوانا نخواهد بود؛ فقط شرح جدول صفحه ۳۹ کتاب، با ردیف‌هایی که نیاز به تصحیح دارند، در جدول شماره ۲ می‌آید.

هدف از آوردن این جدول در کتاب درسی، مقایسه خط میخی فارسی باستان با خط اوستایی و الفبای فارسی نو است که در سه ستون در برابر هم تطبیق داده شده‌اند؛ اما اساس این قیاس نادرست است زیرا خط میخی یک خط هجایی، خط اوستایی یک خط مصوت نگار و خط فارسی یک خط صامت نگار است. شاید بگوییم که هدف از طرح این جدول، نشان دادن همین تفاوت‌های خطی بوده است؛ اما با این فرض نیز تنها 6 تناظر به عمل آمده را می‌توان درست انگاشت و 30 مورد، نیاز به تصحیح دارد و نه تنها کمکی به دانش‌آموز برای

۱ - نسخه الکترونیک کتاب، از پایگاه کتاب‌های درسی قابل دریافت است [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

۲ - یعنی نشانه‌های واکه‌های کوتاه در خط دیده می‌شوند؛ مثل خط لاتین.



شناسایی خطوط نمی‌کند، بلکه درک نشانه‌ها و ویژگی‌های خطی را به صورت معادله‌ای لاینحل در می‌آورد؛ زیرا در موارد بسیاری، معادل اوستایی کامل نوشته نشده است. گاهی به علت شناخت ناکافی از حروف و واژه‌های اوستایی و یا جایگاه کاربرد نشانه‌هایی که همگی معرف یک همخوان هستند (مثل کَگ /n/)، نشانه اوستایی نادرستی انتخاب شده است. در یک مورد نیز نشانه میخی فارسی باستان خوانش درستی نداشته و در نتیجه تبدیل اوستایی آن نیز نادرست شده است. مسئله عدم تطابق آواها در سه زبان نیز موضوعیست که در نظر گرفته نشده است. توضیح اصلاحات پس از جدول می‌آید.

جدول شماره ۲- تصحیحات و توضیحات صفحه ۳۹ علوم و فنون ادبی (۱) - متوسطه جدید

ردیف	فارسی باستان	آوانگاری	برابر فارسی	برابر اوستایی نادرست	تصحیحات
۱	𐬀	U	ا / او	𐬀	𐬀
۲	𐬁	I	ای / ای	𐬁	𐬁 / 𐬁
۳	𐬂	B <sup>a</sup>	ب	𐬂	𐬂
۴	𐬃	P <sup>a</sup>	پ	𐬃	𐬃
۵	𐬄	T <sup>a</sup>	ت	𐬄	𐬄
۶	𐬅	T <sup>o</sup>	ت	𐬅	𐬅
۷	𐬆	θ <sup>a</sup>	ث	𐬆	𐬆
۸	𐬇	θ <sup>a</sup>	ث	𐬇	نگاه کنید به توضیحات
۹	𐬈	J <sup>a</sup>	ج	𐬈	𐬈
۱۰	𐬉	J <sup>i</sup>	ج	𐬉	𐬉
۱۱	𐬊	č <sup>a</sup>	چ	𐬊	𐬊
۱۲	𐬋	X <sup>a</sup>	خ	𐬋	𐬋
۱۳	𐬌	D <sup>a</sup>	د	𐬌	𐬌
۱۴	𐬍	D <sup>i</sup>	د	𐬍	𐬍
۱۵	𐬎	R <sup>a</sup>	ر	𐬎	𐬎
۱۶	𐬏	Z <sup>a</sup>	ز	𐬏	𐬏
۱۷	𐬐	S <sup>a</sup>	س	𐬐	𐬐
۱۸	𐬑	š <sup>a</sup>	ش	𐬑	𐬑
۱۹	𐬒	F <sup>a</sup>	ف	𐬒	𐬒
۲۰	𐬓	K <sup>a</sup>	ک	𐬓	𐬓
۲۱	𐬔	G <sup>a</sup>	گ	𐬔	𐬔
۲۲	𐬕	L <sup>a</sup>	ل	𐬕	نگاه کنید به توضیحات
۲۳	𐬖	M <sup>a</sup>	م	𐬖	𐬖
۲۴	𐬗	M <sup>i</sup>	م	𐬗	𐬗
۲۵	𐬘	N <sup>a</sup>	ن	𐬘	𐬘
۲۶	𐬙	N <sup>u</sup>	ن	𐬙	𐬙
۲۷	𐬚	V <sup>a</sup>	و	𐬚	𐬚
۲۸	𐬛	V <sup>i</sup>	و	𐬛	𐬛
۲۹	𐬜	H <sup>a</sup>	ه	𐬜	𐬜
۳۰	𐬝	Y <sup>a</sup>	ی	𐬝	𐬝

ردیف ۱ و ۲: همانطور که پیش ازین اشاره شد، زبان اوستایی ۱۴ واکه داشته است. معادل آوایی شش واکه زبان فارسی معیار، مطابق این نشانه هاست: (س، د، پ، م) به ترتیب برای /ā/، /ī/، /i/ و (م، د، ن) به ترتیب برای /a/، /o/، /e/ (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۳۸). نشانه اوستایی (ε) در زبان شناسی با نشانه آوایی /ɪ/ نشان داده و «شوا» نامیده می‌شود. شوا نشان دهنده صدای کسره بسیار کوتاه است که در فارسی نو تنها در گویش‌های زبان فارسی کاربرد دارد.

ردیف‌های ۳ تا ۵؛ ۷؛ ۹؛ ۱۱ تا ۱۳؛ ۱۵ تا ۱۷؛ ۱۹؛ ۲۱؛ ۲۳؛ ۲۵؛ ۲۷؛ ۲۹ و ۳۰: در این ردیف‌ها نشانه اوستایی درستی معادل همخوان فارسی آن به کار رفته است اما واکه /a/ پس از آن جا افتاده است.

ردیف ۶: دو نشانه (ص) و (ض) با هم دیگر صدای /to/ «ت» را نشان می‌دهند و نباید از هم جدا شوند.

ردیف ۸: /ç/ در فارسی باستان نوعی /s/ و جانشین /θr/ ایرانی باستان است (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۲۱). کنت (۱۹۶۱) این آوا را یک همخوان سایشی بیواک با تلفظی بین /s/ دندانی و /š/ لثوی می‌داند (۲۵). آوای /ç/ در اوستایی، بسته به جایگاه قرار گرفتن در هجا یا بسته به واکه پس از آن، تبدیل به /s/ یا /θr/ می‌گردد (کنت، ۱۹۶۱: ۱۸۸). جکسون (۱۹۸۲) این آوا را معادل (ر) اوستایی /s/ محسوب کرده است (۱). از آنجا که در جدول کتاب درسی، هدف مطابقت نشانه‌های خطی و حداکثر، مطابقت آوایی است، مطرح کردن تحول آوایی که بحثی تخصصی است ضرورتی ندارد. اگر هم هدف نشان دادن این تحول آوایی باشد، ذکر هر سه نوع تحول لازم است. البته در این صورت، آوای دیگری نیز در جدول هستند که دچار تحول آوایی شده‌اند. بدین ترتیب خوانش ردیف هشت جدول ۲ و معادل فارسی نو و اوستایی آن نادرست است. برای اطلاع بیشتر در مورد این تحول واجی، می‌توانید به فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی، بند ۲۳۴ مراجعه نمایید (حسن دوست؛ ۱۳۹۵).

ردیف‌های ۱۰؛ ۱۴؛ ۲۴؛ ۲۸: نشانه‌هایی که در خط میخی /i/ دارند، برای نشان دادن صامت‌هایی که پس از آنها /i/ یا /ī/ می‌آمده به کار برده می‌شدند (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۳۱). بدین ترتیب واکه پس از همخوان صدای /i/ دارد نه /e/. برای مثال: صورت مکتوب AD'N<sup>a</sup>M<sup>a</sup> با صورت ملفوظ adīnam به معنی "گرفتم" است. پس نشانه‌های ردیف‌های مذکور، همخوان با کسره محسوب نمی‌شوند و در نتیجه خوانش خط میخی در این ردیف‌ها درست نیست. حتی اگر فرض بر درستی واکه کسره باشد، خط اوستایی نیز درست نیست زیرا همانطور که در توضیح ردیف ۱ و ۲ آمد، نشانه /ə/ نباید به جای کسره به کار رود.

ردیف ۱۸: در خط اوستایی برای صدای /š/ معادل با «ش» فارسی نشانه (ش) به کار می‌رود. انواع دیگری نیز با نشانه‌های (ش) با صدای /š/ (shy// š) و (ش) با صدای /š/ (ssh) وجود دارد که به تبعیت از آوای دیگری می‌آیند (آذری؛ ۱۳۷۹: ۱۰). بدین ترتیب برای نشانه معادل «ش» فارسی، نشانه (ش) درست است.

ردیف ۲۰: برای /k/ نشانه اوستایی نادرست به کار رفته است.

ردیف ۲۲: در زبان اوستایی تنها واج روان /r/ است و /l/ در زبان اوستایی وجود ندارد (جکسون، ۱۸۹۲: ۳۹). به عبارتی /l/ در اوستایی واج اصیل نیست. در جدول کتاب درسی، معادل با نشانه میخی L<sup>a</sup>، نشانه (ل) که صدای /r/ دارد آمده است و البته یک شماره ارجاع هم روی حرف اوستایی گذاشته شده که در پانویشت صفحه یا پی‌نوشت فصل چیزی برای آن ذکر نشده است.

ردیف ۲۵: نشانه (ن) اوستایی /n/ «نگ» تلفظ می‌شود و همیشه پیش از /h/ می‌آید. برای معادل /n/

فارسی این نشانه درست است: (ن) (راشد محصل؛ ۱۳۶۴: ۱۶).

توضیح آخر آنکه امکان تناظر یک به یک آواهای فارسی باستان با آواهای فارسی نو وجود ندارد زیرا در زبان فارسی باستان واج های سایشی واکبر /w/، /ž/، /γ/ و /δ/ (به ترتیب با تلفظ حروف فارسی «و»، «ژ»، «ق» و «ذ») وجود ندارند (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۲۱).

## ۲-۶. آثار مکتوب به جا مانده از دوره باستان

از دوره باستان، افزون بر اطلاعات اندک و اشاره‌هایی که به ادبیات روایی و منقول زبان‌های مادی و سکایی در منابع باستانی شده است، آثار ادبی مکتوب دو زبان اوستایی و فارسی باستان برجای مانده است (زرشناس، ۱۳۸۴: ۹). آنچه در بخش ۴ و ۵ می‌آید، تحلیل و تکمیل مطالب ادبی کتاب درسی در بخش‌های مورد بحث است.

۲-۶-۱. ادبیات فارسی باستان: شاهی در دست نیست که بر اساس آن بتوانیم استناد کنیم فارسی باستان، به صورت مکتوب، جز در کتیبه‌های شاهان هخامنشی، به خط میخی، در جای دیگر نیز به کار رفته باشد. تنها کتیبه‌ای که به نظر می‌رسد به زبان فارسی باستان و به خط آرامی نوشته شده و احتمالاً متعلق به بعد از دوره هخامنشی است، در نقش رستم وجود دارد که تنها چند کلمه از آن تا کنون خوانده شده است و به قطعیت در باره آن نمی‌توان سخنی گفت (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۲۴). آنچه در کتیبه‌ها ذکر شده، اصولاً مطالب مربوط به سیاست و حکومت است؛ اما از اقوال نویسندگان یونانی معلوم می‌شود که در فارسی باستان ادبیات حماسی نیز احتمالاً به صورت شفاهی - وجود داشته است. روایات مربوط به کوروش، که هرودت<sup>۱</sup> آن‌ها را نقل کرده، مانند داستانی که این شاه را سگی در کودکی پرورده بود، احتمالاً متعلق به حلقه روایاتی بوده که به یونانیان رسیده است. در این روایات، شباهت‌هایی میان جزئیات بعضی از داستان‌هایی مربوط به کودکی کوروش با داستان‌های دیگر ایرانی دیده می‌شود؛ نظیر خوابی که حاکی از برافتادن سلسه است (داستان ضحاک، افراسیاب، اردشیر)؛ دستور کشتن نوزاد که به اجرا در نمی‌آید (داستان کیخسرو)؛ سر راه یا بر آب نهادن کودک (داستان کیقباد، دارا) و غیره. داستان‌های بردیا، در روایات یونانی، افسانه‌وار حکایت شده است. داستان حیل‌فداکارانه زوپيروس<sup>۲</sup> نیز از روایات حماسی هخامنشیان بوده است (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۳۰). برخی زیربنای روایت کارنامه اردشیر بابکان را نیز از روایت‌های دوره هخامنشی می‌دانند (آموزگار؛ ۱۳۸۷: ۲۶).

۲-۶-۲. ادبیات اوستایی: همانطور که پیش ازین بیان گشت، تنها اثر بازمانده به زبان اوستایی، کتاب اوستا است. از این کتاب نسخه‌های خطی متعددی در دست است، اما هیچ یک از آنها به تنهایی متن کامل اوستا را ندارد. قدیم‌ترین نسخه اوستایی موجود، نسخه K7 (محفوظ در کتابخانه دانشگاه کپنهاگ) است (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۷۱).

۲-۶-۳. شعر در دوره باستان زبان فارسی: وجود شعر در زبان فارسی باستان مورد تردید است، اگر چه استادانی چون دکتر معین قایل به وجود شعر در آن زبان بودند (شمیسا؛ ۱۳۸۳: ۱۹). به نظر می‌رسد که بخش‌هایی از کتیبه‌های فارسی باستان منظوم باشد. برای مثال: سطرهای ۷۴، ۷۵ و ۷۶ ستون دوم کتیبه بیستون (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۵۶).

<sup>۱</sup> Herodotus

<sup>۲</sup> Zopyrus توضیح در پی نوشت.

<sup>۳</sup> برطبق این داستان که هرودوت نقل کرده است، هنگامی که داریوش از فتح بابل نومید شده بود، یکی از درباریان به نام زوپيروس داوطلبانه گوش و بینی خود را برید و موی خود را تراشید و تن خود را با تازیانه مجروح کرد؛ گویی که مکافات جنایت کاران را دیده است. سپس به سپاه دشمن گریخت و وانمود کرد که از ظلم داریوش به پناهنده‌گی آمده است و پس از جلب اعتماد آنان، بر طبق نقشه‌ای، دروازه‌های بابل را بر داریوش گشود (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۳۱).

از آثار بازمانده از اوستایی، گاهان و یشت‌ها منظوم است. در زبان اوستایی، بیت "afsam"، مصرع "pada" و پاره "vačastašti" نامیده شده است. اشعار گاهان هجایی بوده‌اند؛ یعنی هر بیت در یک شعر، از تعداد معینی از هجاها تشکیل می‌شده است. برای مثال: گاه اول (از یسن ۲۸ تا یسن ۳۴)، از پاره‌های سه بیتی تشکیل شده است. هر بیت شانزده هجا دارد که هفت هجا در مصرع اول و نه هجا در مصرع دوم است. گاه دوم (از یسن ۴۳ تا یسن ۴۶)، از پاره‌های پنج بیتی تشکیل شده است. هر بیت یازده هجا دارد که چهار هجا در مصرع اول و هفت هجا در مصرع دوم است. البته در هیچ یک از یسن‌های گاهان، آن طور که به ما رسیده، نظمی که ذکر شد مراعات نشده است. این بی‌نظمی بر اثر تغییری است که در تلفظ برخی از واژگان به وجود آمده است؛ این تغییر خود بر اثر آن بوده که هنگام ثبت آن‌ها زبان گاهان، زبانی مرده بوده است (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۴۴-۴۳). نمونه‌ای از ترجمه یکی از بندهای گاهان (یسن ۴۵، بند ۲):

مصرع نخست بند ۲ یسن ۴۵	مصرع دوم بند ۲ یسن ۴۵
آری، گفتگو خواهم کرد	درباره دو مینوی نخست هستی
پاک تر آن دو	چونین گفت آن ناپاک را
نی منش هایمان	نی سخنان، نی خواست‌ها
نی گروه‌ها	نی گفتارها، نی کردارها
نی دین‌ها	نی روان‌ها، همداستان اند

اشعار یشت‌ها ضربی بوده‌اند، یعنی هر بیت در یک منظومه، از تعداد معینی هجای تکیه دار به وجود می‌آمده است. هنینگ<sup>۲</sup>، ایران‌شناس آلمانی، اشعار یشت‌ها را تشکیل یافته از بیت‌هایی می‌داند که سه یا چهار هجای تکیه‌دار دارند (ابوالقاسمی؛ ۱۳۷۴: ۲۴).

## ۲-۷. آثار مکتوب به جا مانده از دوره میانه

آثار ادبی عمده‌ای از هر دو گروه زبان‌های ایرانی میانه غربی و ایرانی میانه شرقی (زبان‌های سغدی و خوارزمی و سکایی و بلخی) در دست است (زرشناس؛ ۱۳۸۴: ۴۷). توضیحات این بخش مربوط به آثار بخش غربی زبان‌های دوره میانه است: کتیبه‌های پارتی، اعم از سنگ نوشته و چرم‌نوشته (بنجاق اورامان) و سفال نوشته (آثار نسا) و فلز نوشته (مجسمه هرکول) و غیره، متعلق به دوران حکومت اشکانیان اندک است (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۷۸-۷۷). کتیبه‌های ساسانی تنوع زیادی دارد و به دو بخش کتیبه‌های دولتی و کتیبه‌های خصوصی (نظیر سنگ مزارها) تقسیم می‌گردد (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۸۳).

پیش از معرفی ادبیات اشکانی و پهلوی، خلاصه‌ای در مورد زبان و خط ادبیات مانوی می‌آید: اکثر آثار مانوی ایرانی، یعنی آثاری که به زبان‌های فارسی میانه اشکانی (پارتی)، فارسی میانه ساسانی (پهلوی)، سغدی و فارسی دری نگاشته شده است، به خط مخصوص مانویان است که از خط تدمری گرفته شده است (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۳۳۴). خوانش این خط نسبت به خط پهلوی آسان‌تر است زیرا هزوارش ندارد و حرف‌های الفبا جدا از هم نوشته می‌شوند. زبانی را که در نوشته‌های مانویان به کار رفته است، بر اساس محلی که آثار از آنجا به دست آمده، یعنی ناحیه تورفان، واقع در ترکستان شرقی، فارسی میانه تورفانی می‌نامند. فارسی میانه مانوی یا فارسی مانوی (بر اساس محتوا) نام‌های دیگر آن است (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۹۸).

۱ - به معنی "سروده".

(ناثل خانلری؛ ۱۳۷۳: ۲۶) وزن ضربی از نظم اصوات به حسب شدت و ضعف آنها پدید می‌آید.

۲-Tonic

۳-Henning

۲-۷-۱. ادبیات اشکانی: هیچ نوشته ادبی به زبان پارسی، چه دینی و چه غیردینی، از دوره اشکانیان برجای نمانده است. ادبیات در دوران پارت‌ها، همانند ادوار دیگر پیش از اسلام به صورت شفاهی حفظ می‌شد. دوران پارسی دورانی شکوفایی این سنت بود. گروهی از راویان گوسان نام داشتند. اینان شاعران و موسیقی‌دانان دوره‌گردی بودند که داستان‌ها را خصوصاً به شعر نقل می‌کردند.<sup>۱</sup> در قطعه‌ای از آثار مانوی پارسی که متاخرتر از قرن چهارم یا پنجم میلادی نیست، آمده است: "همچون گوسانی که هنر شه‌ریاران و کی‌های پیشین را بیان می‌دارد و خود هیچ نکند." از این گفته چنین برمی‌آید که گوسان‌ها حافظان داستان‌های ملی ایران بوده‌اند و آن را به ساسانیان منتقل کرده‌اند (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۷۷). در ویس و رامین که آن را ترجمه‌ای از یک اثر پارسی می‌دانند، جای پای روایت گوسان‌ها کاملاً دیده می‌شود (آموزگار؛ ۱۳۸۷: ۲۷).

۲-۷-۲. ادبیات پهلوی: آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر آثار دینی زردشتی است. حتی چند رساله کوچک نظیر خسرو و ریدک و یادگار زریران و رساله شطرنج نیز صیغه دینی دارند. آثار ادبی صرف، چه منشور و چه منظوم، از میان رفته است؛ ولی ترجمه عربی و فارسی بعضی از آن‌ها مانند کلیله و دمنه و هزار و یک شب، در دست است. برخی روایات حماسی منقول در شاهنامه و گرشاسب‌نامه و روایات عاشقانه خسرو و شیرین و هفت پیکر، از این منابع است (تفضلی؛ ۱۳۷۸: ۱۱۳). در مورد مطالب غیرسیاسی و غیردینی، سنت شفاهی به مراتب چشم‌گیرتر است. در کتاب‌های پهلوی بارها تأکید شده است که اهمیت روایت‌های شفاهی که از پیشینیان رسیده است بیش از سنت کتبی اهمیت دارد (آموزگار؛ ۱۳۸۷: ۲۶-۲۵). در دوران ساسانی شواهد فراوانی از ادامه سنت شفاهی وجود دارد. گوسان پارسی، خنیاگر ساسانی می‌شود. نواگری و رامشگری نیز در کنار آن است به همراه چامه‌گویی. بهترین مثال برای چنین روایت‌های داستانی همراه با خنیاگری از دوران ساسانی، شخص باربد است و شاید هم سان وی رودکی در دوران اسلامی باشد. ادامه چنین شخصیت‌ها را در راویان شاهنامه، نقال‌ها و "عاشق‌های شهرهای آذربایجان می‌توان یافت (آموزگار؛ ۲۹: ۱۳۸۷-۲۸).

۲-۷-۳. شعر در دوره میانه: در وجود شعر در زبان‌های دوره میانه هیچ شکی نیست (شمیسا؛ ۱۳۸۳: ۱۵). میان ایران‌شناسان در اساس نظم شعرهای ایرانی میانه غربی اختلاف است. برخی، اساس نظم اشعار ایرانی میانه غربی را هجایی و برخی دیگر ضربی دانسته‌اند. در نظم هجایی تعداد هجاها، بدون در نظر گرفتن کوتاهی و بلندی و نظم قرار گرفتن آنها، اساس نظم است. در نظم ضربی، تعداد تکیه‌ها مبنای نظم قرار می‌گیرد (ابوالقاسمی؛ ۱۳۹۶: ۱۹۷). برای مثال بنونیست، زبان‌شناس فرانسوی، یادگار زریران را منظوم به نظم هجایی و هنینگ آن را منظوم به نظم ضربی دانسته است. به طور متوسط هر سطر ۷-۸ هجا و سه هجای تکیه‌دار دارد. چند بیت از یادگار زریران (ابوالقاسمی؛ ۱۳۷۴: ۱۱۳-۱۰۸):

بند ۳۵ یادگار زریران	بند ۳۶ یادگار زریران
۱- پس گشتاسب به کی گاه نشیند	۱- و این را نیز دانید
۲- و جاماسب بدخش به پیش خواهد	۲- که اگر ده روز باران آید
۳- گوید که من دانم	۳- چند سرشک به زمین آید
۴- که تو جاماسب دانا	۴- و چند سرشک بر سرشک آید
۵- و بینا و شناسایی	

۱- آن دسته از نوشته‌های مانویان که به زبان پارسی (پهلوی اشکانی) است، همگی مربوط به دوره ساسانیان یا پس از آن است.

شعر پهلوی دو گونه است: یکی اشعاری که در متون پهلوی ایران پیش از اسلام دیده می‌شود مانند اشعار مانی یا قطعاتی از کتاب یادگار زیران و درخت آسوریک. دوم شعرهایی که مقارن با ورود اسلام یا در قرون اولیه هجری سرده شده است، مثل " اندر آمدن شه وهرام " که به قول دکتر بهار فرقس با اشعار قبل از اسلام این است که قافیه دارد (شمیسا؛ ۱۳۸۳: ۱۵).

### ۳. نتیجه‌گیری

تعداد کتاب‌های تخصصی ادبیات رشته انسانی در سال ۱۳۹۲، از ۴ کتاب با جمع کل ۸۱۸ صفحه، به ۳ کتاب با جمع کل ۳۵۱ صفحه، در سال ۱۳۹۸ تقلیل یافته و مطالب ۴ کتاب تخصصی در ۳ کتاب گردآوری شده است. حجم مطالب در مورد تاریخ ادبیات پیش از اسلام، در کتاب درسی سال ۱۳۹۲، همراه با سه تصویر، چهار صفحه است. این مطالب در کتاب درسی سال ۱۳۹۸ با احتساب یک تصویر و یک جدول، جمعا دو و نیم صفحه شده است. این اختصار، به پیوستگی موضوع چنانکه شرح آن رفت، لطمه زده است و مطالب نادرست و ناکامل فراوانی در کتاب دهم جدید مشاهده می‌گردد.

زبان اوستایی در هر دو کتاب متوسطه قدیم و جدید در بخش زبان معرفی نگردیده و تنها خط و آثار آن معرفی شده است. حداقل شمارش تعداد نشانه‌های خطی اوستایی ۴۶ است و بهتر است اگر این مطلب در کتاب درسی می‌آید، تصحیح گردد.

زبان فارسی باستان تنها یکی از زبان‌های دوره باستان ایران است و نباید معادل زبان‌های ایرانی دوره باستان بیاید. همچنین زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) تنها یکی از زبان‌های ایرانی دوره میانه ایران است و نمی‌توان آن را معادل زبان‌های ایرانی دوره میانه به کار برد.

جدول صفحه ۳۹ کتاب علوم و فنون ادبی (۱) سال دهم متوسطه، با هدف مقایسه آواها و نشانه‌های خطی میخی با اوستایی و فارسی نو آمده است؛ اما از ۳۶ مورد مقایسه در جدول ۳۰ مورد نادرست است که دلایل آن بدین شرح می‌آید: ۱. تفاوت هویت این خطوط که به ترتیب هجایی، واکه نگار و همخوان نگار هستند. ۲. عدم امکان تطبیق آواهای خط میخی در مواردی با فارسی نو و اوستایی و همچنین آواهای اوستایی با فارسی نو. ۳. اطلاع ناکافی طراح جدول از نشانه‌های خط میخی و اوستایی، جایگاه کاربرد آنها و قواعد واجی.

پیشنهاد می‌گردد جدول صفحه ۳۹ کتاب درسی حذف گردد؛ زیرا موجب سردرگمی دانش‌آموز و دبیر می‌گردد. اگر هدف از طرح جدول، خلاصه کردن مبحث خط و آشنا کردن دانش‌آموز با این مقوله و تشویق وی برای تحقیق بیشتر است، یک جدول با حداکثر ده ردیف مقایسه که به درستی انجام گیرد، کفایت می‌کند.

شعر در دوره باستان و میانه زبان فارسی وجود داشته است. در دوره باستان، در زبان اوستایی، وزن دسته‌ای از اشعار هجایی و بعضی دیگر ضربی بوده است. در دوره میانه، گروه زبان‌های غربی، وزن اشعار هجایی یا ضربی تشخیص داده شده است.

## منابع

- آذری، روشنگ (۱۳۹۷) الف. «مقایسه طرح مبحث "گویش" در کتاب های نظام متوسطه قدیم و جدید و بررسی ریخت شناسی اسم و ضمیر در گویش های مرکزی ایران»، پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره، دوره ۴، شماره ۶، صص ۲-۲۰.
- آذری، روشنگ (۱۳۹۷) ب. یسن ۵۷ «سروش یشت سرشب». بجنورد: انتشارات زیلان (قره بلاغ).
- آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد (۱۳۸۲)، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن. تهران: انتشارات معین. چاپ چهارم.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۷). زبان، فرهنگ، اسطوره (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات معین. چاپ دوم.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۶). تاریخ زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت. چاپ پانزدهم.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). راهنمای زبان های باستانی ایران. جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۴). شعر در ایران پیش از اسلام. تهران: نشر بنیاد اندیشه اسلامی.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). تاریخ مختصر زبان فارسی. تهران: نشر بنیاد اندیشه اسلامی.
- باقری، مهری (۱۳۹۶). تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر قطره. چاپ بیست و دوم.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: نشر سخن. چاپ سوم.
- ثمره، یدالله (۱۳۸۸). آواشناسی زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت. چاپ هشتم.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۴). فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی جلد پنجم. تهران: فرهنگستان زبان و ادبی فارسی. چاپ دوم.
- راشدمحصل، محمدتقی (۱۳۶۴). درآمدی بر دستور زبان اوستایی. تهران: انتشارات کاریان.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۴). میراث ادبی روایی در ایران باستان. تهران: نشر دفتر پژوهش های فرهنگی.
- زندى، بهمن (۱۳۸۳). روش تدریس زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت. چاپ پنجم.
- زندى، بهمن (۱۳۹۳). زبان آموزی. تهران: انتشارات سمت. چاپ سیزدهم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). سبک شناسی شعر. تهران: نشر میترا. ویرایش دوم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). انواع ادبی. تهران: نشر میترا. چاپ سوم. ویرایش چهارم.
- قاسم پور مقدم، حسین؛ اکبری شلدره، فریدون؛ عمرانی، غلامرضا؛ موسوی، زهرا سادات؛ وفایی، عباسعلی (۱۳۹۸). علوم و فنون ادبی (۱). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. چاپ چهارم.
- قاسم پور مقدم، حسین؛ شاه آبادی، نادره؛ اکبری شلدره، فریدون؛ عمرانی، غلامرضا؛ کمالی نهاد، علی اکبر؛ واسوجویباری، علی (۱۳۹۸). علوم و فنون ادبی (۲). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. چاپ سوم.
- قاسم پور مقدم، حسین؛ خاتمی، احمد؛ کمالی نهاد، علی اکبر؛ واسوجویباری، علی؛ شاه آبادی، نادره (۱۳۹۸). علوم و فنون ادبی (۳). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. چاپ دوم.
- کالوه، ژان لویی (۱۳۷۹). درآمدی بر زبان شناسی اجتماعی؛ ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳). وزن شعر فارسی. تهران: انتشارات توس.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۴). تاریخ زبان فارسی. جلد اول، تهران: انتشارات سیمرغ. چاپ پنجم.
- نجفی، ابولحسن (۱۳۸۰). مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی. تهران: انتشارات نیلوفر. چاپ هفتم.
- وحیدیان کامیار، تقی؛ پارسانسب، محمد؛ ذوالفقاری، حسن؛ سنگری، محمدرضا؛ زرین کوب، عبدالحسین؛ زرین کوب، حمید (۱۳۹۲). ادبیات فارسی (قافیه، عروض، سبک شناسی و نقد ادبی). تهران: چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- هادی، روح الله (۱۳۹۲). آرایه های ادبی (قالب های شعر، بیان و بدیع). تهران: چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- همایون، همداخت (۱۳۷۹). واژه نامه زبان شناسی و علوم وابسته. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یاحقی، محمدجعفر؛ فرزاد، عبدالحسین (۱۳۹۲). تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱). تهران: شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.

Hoffmann, K. (1989). The Avestan Script, *Encyclopaedia Iranica*, vol. III.

Jackson, W. (1892). *Avesta Grammar*. Stuttgart: W. Kohlhammer.

Kent, R.G. (1961). *Old Persian*. 2<sup>nd</sup> Edition. Connecticut: American Oriental Society.

Tafazzoli, A. (1983). Dabire, *Encyclopaedia Iranica*, IV 5.

Robins, R.H. (1989). **General linguistics: An Introductory survey**. 4<sup>th</sup> edition, London and New York: Longman.

Schaudig H. (2019). 'The Magnanimous Heart of Cyrus. The Cyrus Cylinder and its Literary Models'. in: M. Rahim Shayegan (ed.), **Cyrus the Great: Life and Lore**. Ilex Series 21. Harvard University Press. pp. 67-91.

[www.skyknowledge.com](http://www.skyknowledge.com)

[www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

